

# بازتاب

نشریه‌ای درباره شناخت، مغز و رفتار



دوره چهارم، پاییز (۱۳۸۸)، شماره ۱۳

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محسن ارجمند  
سر دبیر: حبیب‌الله قاسم‌زاده  
زیر نظر هیئت تحریریه

مسئول اجرایی: منصوره رجبو  
طراحی جلد: فاطمه پاشاخانو  
مسئول هنری و صفحه‌آرا: پرستو قدیم‌خانی  
مسئول فروش و اشتراک: حسین افشار

بها: ۲۵۰۰ تومان

شمارگان: ۱۱۰۰

چاپ: پیکان: جاده قدیم، کیلومتر ۲۰ قلعه حسن‌خان،  
خیابان انقلاب صنعت ۳، پلاک ۱۰ و ۱۲، تلفن ۴۶۸۴۲۹۱۶

دفتر نشریه و مرکز فروش:

تهران، بلوار کشاورز، بین خیابان

کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۲۹۲

تلفن: ۰۲۰-۸۸۹۷۷۰۰۲-۸۸۹۷۹۵۴۴

Email: baztabedanesh@yahoo.com

## هیئت تحریریه

دکتر رامین مجتبابی  
روان‌شناس و روان‌پزشک  
دانشگاه جازن هاپ‌کینز

دکتر آذرخش مگری  
روان‌پزشک  
دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر غلامرضا میرسیاسی  
روان‌پزشک  
دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر عبدالرحمن نجل رحیم  
نورولوژیست  
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

دکتر تورج نیسنوری  
جراح مغز و اعصاب

دکتر رضا نیلی‌پور  
زبان‌شناس  
دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی

دکتر ونداد شریفی  
روان‌پزشک  
دانشگاه علوم پزشکی تهران

غلامحسین صدری افشار  
نویسنده و مترجم

دکتر اصلان ضرابی  
روان‌پزشک

دکتر جمال عابدی  
روان‌شناس  
دانشگاه کالیفرنیا، دیویس

دکتر محمود عبادیان  
استاد فلسفه و ادبیات  
دانشگاه علامه طباطبایی

دکتر حسن عشایری  
روان‌پزشک  
دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر محمد رضا باطنی  
زبان‌شناس  
دانشگاه تهران

دکتر خسرو پارسا  
جراح مغز و اعصاب

دکتر بیژن جهانگیری  
فارماکولوژیست  
دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر احمد جلیلی  
روان‌پزشک  
دانشگاه علوم پزشکی تهران

حسین حسین‌خانی  
نویسنده و ناشر

دکتر محمد رضا زرین‌دست  
فارماکولوژیست  
دانشگاه علوم پزشکی تهران

## فهرست:

- سخن سردبیر ..... ۲  
حبیب‌الله قاسم‌زاده
- فرصت درون‌نگری من ..... ۵  
محمدرضا باطنی
- معناداری آماری، معناداری بالینی: تقابل یا توازی؟ ..... ۱۵  
محمدعلی اصغری مقدم
- ادای دین به داروین ..... ۲۴  
بال اکمن / ترجمه شهرزاد دیبائیان
- کودکان کلمات را چه‌گونه یاد می‌گیرند؟ ..... ۲۹  
جورج ا. میلر و پاتریشا گیلدی / ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده
- اختلال و سواس - اجبار: نقص در حافظه یابی اعتمادی به آن ..... ۳۶  
فاطمه معین‌الغربائی - مهدی فدائی
- نگاهی به معادل‌های Mindfulness ..... ۴۱  
حسن حمیدپور
- زندگی برخوردار از ارزش زیستن ..... ۵۳  
تری دانجلیس / ترجمه الهام اشناد
- مایکل پوزنر ..... ۵۶  
حبیب‌الله قاسم‌زاده
- پرسش و پاسخ ..... ۶۰  
جمی چیمبرلین / ترجمه شهرزاد دیبائیان
- معرفی کتاب: تکنیک‌های شناخت‌درمانی / رابرت لی‌هی / ترجمه حسن حمیدپور، زهرا اندوز ..... ۶۳

## سخن سردبیر

هیجان‌ها، کشمکش‌ها، تنش‌ها و سردرگمی‌های خود، رهگشا و راهبر نیست. هنوز در بسیاری موارد، محکم‌ترین و مطمئن‌ترین ملاک برای تشخیص، ارزیابی و درمان، بیان خود بیمار است.

وقتی از بیمار سخن می‌گوییم، از فردی سخن می‌گوییم دارای یک سیستم پردازشگر و برخوردار از نظامی برای تبیین و توجیه رفتار و تفکر خود، و نه فردی صرفاً کنش‌پذیر که در کلیه سطوح و جنبه‌های ذهنی و جسمی خود دچار اشکال شده است. این درست است که او به ستوه آمده است و اظهار عجز و ناتوانی می‌کند، اما همین اظهار عجز و ناتوانی، نشانه‌ای از میل به زندگی و ایجاد تغییر در رفتار و نگرش است. بنابراین، کار ما در عین حال که کمک به تسکین دردها و گره‌گشایی از فروبستگی‌هاست، مهم‌تر از آن، شعله‌ور نگه داشتن چراغ امید به آینده است و این میسر نمی‌شود، مگر آن که بیمار خود احساس کند که «چیزی برای عرضه کردن» در صحنه زندگی دارد. ما برای این که نشان دهیم که بیمار می‌تواند چنین احساسی داشته باشد، باید این اصل را بپذیریم که هر فردی دارای چنین توانایی است و اگر بیمار در مرحله‌ای نمی‌تواند متوجه این نوع توانایی بشود، علت آن، قرار نگرفتن در یک ارتباط سالم است، ارتباطی که انسان بدون، انسانی اندیشیدن، و انسانی زیستن را به فرد یادآور شود و یا در صورت لزوم بیاموزد. هر نوع اشکالی در نظام حسّی، حرکتی، فکری، هیجانی، انگیزشی و فیزیولوژیک بیمار ایجاد شود، به معنای خلل در انسان بودن او نمی‌تواند باشد. پس ضروری‌ترین خصوصیت ارتباط درمانی، آفریدن یک فضای انسانی است که فرصتی پدید

شاید در میان متخصصان علوم رفتاری و عصبی-روانی، هیچ کس به اندازه درمان‌گر بالینی، شاهد درد و رنج و ناتوانی افراد نیازمند به درمان و به تغییر در نگرش نباشد. ما معمولاً فرایند درمان را رابطه‌ای یک طرفه، از جانب متخصص به سمت مراجع، تلقی می‌کنیم. اما در حقیقت، این رابطه، فرایندی دوجانبه است و در طی آن، هر دو طرف تغییر می‌یابند. مراجع یا بیمار، سلامت خود را باز می‌یابد و درمان‌گر، مفید بودن خود را تجربه می‌کند. هر فرایند درمانی را باید بستری برای آموزش تلقی کرد. نخستین درسی که می‌توان از بیماران و دردمندان جسمی و روانی فرا گرفت، صداقت، صراحت و یگانه‌دلی در آن‌ها است. به جرأت می‌توان گفت که هیچ کسی به اندازه یک بیمار، صادق، صریح و صمیمی نیست. علت اصلی این امر احتمالاً به ستوه آمدن از عوارض بیماری و احساس ناتوانی در برابر نفوذگاه مقابله‌ناپذیر آن مربوط می‌شود. بیمار می‌خواهد با طرح عوارض و شکایت‌ها و مسائل و مشکلات خود، راهی برای برون رفت از بحرانی که در آن گرفتار است، پیدا کند. جمله‌ای که معمولاً از مراجعان مضطرب و افسرده می‌شنویم، این است: «می‌خواهم مثل دیگران باشم؛ بگویم؛ بخندم؛ حرف بزنم؛ بی‌تفاوت باشم؛ از زندگی لذت ببرم!» شرح بیان او از علایم، نشانه‌ها، عوارض و مشکلات، ممکن است غیر دقیق، غیر علمی، پراکنده و نامنسجم به نظر آید، اما هر چه هست، صادقانه و بدون سرپوشی و کژنمایی مطرح می‌شود. شاید به همین دلیل هم باشد که هنوز هیچ یک از داده‌ها، مدارک، آزمون‌ها، آزمایش‌ها و تصویربرداری‌ها به اندازه گزارش ساده بیمار درباره احساس، ادراک و تفکر،